



دوشنبه 6 مهر 1394 - 14 ذی الحجه 1436 - 28 سپتامبر 2015

صدور اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در خصوص جنگ عراق با ایران ...

* 6 مهر در دفاع مقدس

* صدور اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در خصوص جنگ عراق با ایران (1359 ش) اشاره:

در تاریخ سوم مهر 1359 ش، چهار روز پس از آغاز جنگ تحمیلی، دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت اطلاع داد که به رغم کوشش‌های به عمل آمده برای توقف حملات، جنگ میان ایران و عراق در زمین، دریا و هوا ادامه یافته و خسارات جانی و مالی به بار می‌آورد.

از این رو وی پیشنهاد کرد شورای امنیت، مسئله را با فوریت رسیدگی کند. سرانجام این جلسه در روزهای چهارم تا ششم مهرماه آن سال تشکیل شد و طرح صدور قطعنامه‌ای در این زمینه به اتفاق آراء تصویب شد، تا این که قطعنامه 479 به عنوان اولین قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ عراق با ایران صادر گردید. در این قطعنامه، ضمن اظهار نگرانی عمیق درباره وضعیت رو به گسترش جنگ میان دو طرف، از ایران و عراق خواسته شده بود که مناقشه خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل حل نمایند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به این قطعنامه، با اعلام نقض مکرر عهدنامه 1975 الجزائر توسط عراق و قصد و نیت عراق به تشدید اقدامات خصمانه در مقابل خویشتنداری ایران، تصریح کرد که عراق با برپا کردن یک جنگ تجاوزکارانه در داخل سرزمین ایران و حمله به مراکز حساس کشور برای جمهوری اسلامی، راهی جز دفاع از خود برای حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی باقی نگذاشته است. جمهوری اسلامی ایران همچنین اعلام کرد مادام که عراق، تمامیت ارضی و حاکمیت ما را زیر پا گذاشته و مأموران عراق در داخل مرزهای ما به اقدامات تجاوزکارانه و خرابکارانه مبادرت می‌ورزند، قطعنامه نمی‌تواند مورد قبول ایران واقع شود و هیچ فایده‌ای در مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم در مورد منازعه بین دو کشور نمی‌بینیم.

قطعنامه 479 به دلیل آن که هیچ اشاره‌ای به متجاوز و آغازگر جنگ نداشته و دو طرف را به یک اندازه مورد خطاب قرار داده، به عنوان ظالمانه‌ترین و غیرعادلانه‌ترین قطعنامه شورا در مورد جنگ عراق علیه ایران به شمار می‌رود.

* سقوط سوسنگرد توسط

دشمن متجاوز بعثی (1359 ش)

اشاره:

در زمان جنگ ارتش عراق ۳ بار برای تصرف سوسنگرد تلاش کرد که با مقاومت شدید مردم مواجه گردید ولی در حمله سوم شهر در محاصره ارتش عراق قرار گرفت.

با حمله عراق در ۳۱ شهریور، عناصر تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ اهواز، مستقر در پاسگاه صفریه و سوبله، نتوانستند حملات دشمن را دفع کنند و به ناچار به عقب رانده شدند.

لشکر ۹ مکانیزه عراق کم کم به محور سوبله،

تنگه چزابه و ارتفاعات الله اکبر می رسید. عراقی ها موفق شدند روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کنند.

به این ترتیب بستان به طور کامل سقوط کرد و عراقی ها از شمال و غرب

وارد شهر شدند. آن ها با پیشروی در محور

بستان سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند.

علاوه بر این عراقی ها در جنوب کرخه و از محوه نشوه، کوشک، طلائییه و جفیر وارد ایران شده و در این محور رو به شمال پیشروی کرده و به کرانه جنوبی کرخه کور رسیده بودند. آنها با عبور از کرخه کور، به قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو ستون پیشروی کردند.

به حاشیه جنوبی حمیدیه و سوسنگرد رسیدند. دشمن پس از شکستن مقاومت مدافعان اندک (پاسدار و ژاندارم) آن در

۶ مهر ماه سوسنگرد را اشغال کرد.

* عقب راندن دشمن از گیلانغرب (1359 ش)

اشاره:

در ادامه تجاوز ارتش رژیم بعث عراق به خاک میهن اسلامی، لشکرهای دشمن به قصد تسخیر سر پل ذهاب و گیلانغرب به سوی این شهرها حرکت کردند که با مقاومت نیروهای مردمی مواجه شده و زمین گیر شدند. دشمن پس از این ناکامی، نیروهای خود را برای تصرف نواحی خوزستان راهی جبهه‌های جنوب نمود.

* شهادت شهید عزت الله شمگانی (1360 ش)

اشاره:

شهید عزت الله شمگانی در سال ۱۳۳۹ ش در روستای «مشهدی کاوه» شهرستان «فریدن» از توابع استان اصفهان چشم به جهان هستی گشود. شمگانی در دیوان‌دره یزد، به‌عنوان فرمانده سپاه و در زاهدان به‌عنوان فرمانده عملیات و سپس به‌عنوان فرمانده عملیات سپاه در سیستان و بلوچستان و نیز در هر جای دیگر که انقلاب، ایثار و گذشت می‌طلبید؛ حضور داشت. روزهای پراشتهاج جنگ آغاز شد و عزت‌الله با گام‌های استوار راهی جبهه‌های نور گشت و چند ماه بعد به پیروی از سنت ارزشمند نبوی با دختری مؤمنه ازدواج کرد و پس از آن بلافاصله به جبهه مراجعت نمود و در مهرماه سال ۱۳۶۰ ش در عملیات «ثامن‌الائمه (ع)» شرکت کرده و در منطقه فیاضیه دارخوین در محفل ملائکه الله جای گرفت. او یاد حنظله غسیل‌الملائکه را در ذهن همگان زنده نمود.

* شهادت شهید رسول مرتضوی (1369 ش)

اشاره:

شهید رسول مرتضوی در 30 خرداد ۱۳۵۰ ش در شهرستان سراب را به نور حضور خویش مزین ساخت. در اوج سال‌های جوانی، رسول همراه غیورمردان نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دفاع از دستاوردهای انقلاب برخاست و مردانه با اشرار جنگید تا این‌که در روز ششم مهرماه سال ۱۳۶۹ شمسی شور جوانی‌اش به خزان نشست و در سن ۱۹ سالگی در منطقه چابهار توسط اشرار در خون سرخ خویش غلطید. مزار پاک شهید رسول مرتضوی در امام‌زاده عقیل (ع) قرار دارد.

* 6 مهر در گذر تاریخ

* درگذشت بهزاد باشی، مترجم و مؤلف مطرح معاصر (1370 ش)

اشاره:

بهزاد باشی مترجم و نویسنده‌ای مبارز بود و بیش‌تر سال‌های عمر خود را در زندان، تبعید و فعالیت مطبوعاتی گذراند. از بهزاد باشی آثار متعددی باقی مانده است که از آن میان «تاریخ جامع موسیقی» را می‌توان نام برد. کتاب مذکور در دوره نهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد.

«تاریخ جامع موسیقی» مجموعه‌ای است وزین که به قلم تنی چند از برجسته‌ترین مدرسان آکادمی‌های شناخته‌شده موسیقی نوشته شده و از جنبه تعلیم و آموزش از قابلیت بسیاری برخوردار است، با توجه

به این‌که معادل واژگان لاتین در زبان فارسی به وفور یافت نمی‌شود و انتخاب آن کار دشواری بوده، کار مترجم کتاب، شایسته و ستودنی است.

ترجمه کتاب‌های «جامعه فئودالی»، «آمریکای بزرگ و حقوق بشر»، «خنیاگری و موسیقی ایرانی» و «تاریخ موسیقی خاورزمین» از دیگر آثار بهزاد باشی به‌شمار می‌روند.

وی، ده سال آخر عمر را بر سر ترجمه کتاب پنج جلدی «تاریخ جامع موسیقی» - که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است - به

همراه کتاب‌های «تاریخ موسیقی خاورزمین» و «زندگی شومان» گذاشت. بهزاد باشی سرانجام در تاریخ 6 مهرماه سال ۱۳۷۰ هجری شمسی درگذشت.

* آغاز انتفاضه جدید مسجدالاقصی (1379 ش)

اشاره:

در پی ورود آرپل شارون، رهبر حزب تندروی لیکود و عامل کشتار بی‌رحمانه فلسطینی‌ها در اردوگاه صبرا و شتیلا به مسجدالاقصی و هتک حرمت این مکان مقدس، فلسطینی‌های خشمگین در اعتراض به این اقدام، تظاهرات کردند و قیام اسلامی خود را آغاز نمودند. به همین مناسبت، این قیام، انتفاضه مسجدالاقصی نام گرفت. این قیام زمانی آغاز شد که مذاکرات سازش بین صهیونیست‌های نژادپرست و دولت به اصطلاح خودگردان فلسطین با شکست روبرو شده بود و مردم فلسطین دریافتند که از راه گفتگو و سازش با صهیونیست‌ها نمی‌توانند بر حقوق انسانی و اسلامی خود دست یابند. رژیم صهیونیستی در مقابل خروش انسانی فلسطینیان، برای سرکوب انتفاضه، از انجام خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین شیوه‌های ضدانسانی خودداری نکرده و از قساوت‌بارترین روش‌های ترور و کشتار استفاده نموده است. انتفاضه مسجدالاقصی و انقلاب سنگ به همگان این پیام را فهماند که ریشه صهیونیسم و نژادپرستی در سرزمین اسلامی فلسطین، خواهد خشکید.

* درگذشت

حمید شیرزادگان، پیشکسوت فوتبال ایران (1386 ش)

* درگذشت

حجت‌الاسلام شیخ مصطفی رهنما، از مبارزان دهه ۱۳۳۰ به بعد و حامیان حقوق مردم فلسطین (1392 ش)

* 14 ذیحجه در گذر تاریخ

* تاجگذاری «محمدعلی

شاه قاجار» ششمین پادشاه

سلسله‌ی قاجاریه (1324 ق)

اشاره:

پس از مظفرالدین شاه، فرزند ارشدش، محمدعلی میرزا، که در دوره‌ی کسالت پدر در تهران حضور داشت به پادشاهی رسید. محمدعلی شاه در 1289 ق در تبریز به دنیا آمد و مادرش ام‌الخاقان، دختر امیرکبیر بود. وی از سال 1313 ق ولیعهد و فرمانروای کل آذربایجان بود. با این که قانون اساسی در هنگام حیات پدرش به امضای مظفرالدین شاه رسیده بود ولی اکثر آزادی خواهان می‌دانستند او کسی نیست که به مشروطیت وفادار بماند و بر سر قول خود باقی باشد.

* ولادت

آیت‌الله «شیخ مرتضی

حائری یزدی» عالم و فقیه جلیل

(1334 ق)

اشاره:

آیت‌الله شیخ مرتضی حائری یزدی فرزند آیت‌الله شیخ عبدالکریم، مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در شهر اراک به دنیا آمد. پس از طی تحصیلات مقدماتی و ادبیات، سطوح عالی‌ه را در قم نزد آیات عظام سید محمد تقی خوانساری و سیدمحمد محقق داماد به اتمام رسانید و دردرس خارج والد معظم و آیت‌الله حجت (پدر همسرشان) شرکت نمود.

معظم له مدتی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم سطوح عالی‌ه را تدریس می‌فرمود و از

سال 1326 شمسی به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال داشت و شاگردان بسیاری را پرورش داد.

این عالم بزرگ، کلیه‌ی دروس فقه و اصول خود

را شخصاً به رشته تحریر درآورد که هم اکنون یک دوره‌ی کامل اصول فقه و نیز کتاب‌های طهارت، خمس، مکاسب و قسمتی از

بحث صلوة، از ایشان در دست است. یک جلد از مکاسب این فقیه جلیل نیز به نام إِيْتِغَاةُ الْقَضِيْلَةِ فِي شَرْحِ الْوَسِيْلَةِ به چاپ رسیده است. این عالم ربانی علاوه بر مقام علمی، از نظر تقوی، زهد و وَرَع نیز زبانزد همگان بوده است. آیت‌الله مرتضی حائری یزدی بر رفع حوائج نیازمندان و رسیدگی به مستمندان نیز سعی وافر داشت. این فقیه جلیل سرانجام در 25 اسفند 1364 به ملکوت اعلی پیوست و در جوار حضرت معصومه (س) جای گرفت.

* وفات آیت الله شیخ محمدباقر بیرجندی، از علمای بنام قرن چهاردهم (1352ق)

اشاره:

آیت‌الله شیخ محمدباقر بیرجندی در ربیع‌الاول ۱۲۷۶ق در روستای «گازر»

- از توابع قائن - در خانواده‌ای اصیل و

با سابقه علمی دیده به جهان گشود و پس از طی دوران کودکی، ادبیات و علوم بلاغت را نزد والد بزرگوارش شیخ محمدحسن قائنی فراگرفت. مرحوم بیرجندی، ۱۲ ساله بود (۱۲۸۸ق) که به سوی قائن حرکت کرد و در مدرسه جعفریه ساکن شد و نزد برادرش حاج ملامحمدعلی و اساتید دیگر (همچون سیدابوطالب قائنی) ادبیات و معانی و بیان را تکمیل نمود.

علامه بیرجندی پس از عزیمت به مشهد مقدس و در سن ۱۴ سالگی (۱۲۹۰ق)، به مدرسه میرزاجعفر رفت و در مدت چند سال، برخی از کتب فقهی و اصولی (معالم، قوانین و شرح لمعه) را نزد میرزاهدایت‌الله مدرس ابهری و کتاب‌های شیخ انصاری (رسائل و مکاسب) را نزد شاگردان شیخ فراگرفت.

حکمت و فلسفه را نیز نزد میرزا علی‌رضا

مدرس سبزواری و علوم تجدید و قرائت را

در محضر ملاعلی مزینانی آموخت.

وی در این مدرسه در کمال اعزاز و احترام بود و حجره مرحوم شیخ‌الرئیس قاجار را بدو داده بودند و به توصیه اعتصام‌الملک، رکن‌الدوله، فرمانروای خراسان، و میرزاسعیدخان، متولی آستان قدس، کمال احترام را بدو می‌کردند.

استاد وی، میرزاهدایت‌الله ابهری بارها گفته بود: «من درس را تنها برای ایشان می‌گویم، زیرا که شیخ بهائی در عالم رؤیا سفارش او را به من فرموده است و گفت که او در آینده به مقاماتی عالی خواهد رسید».

شیخ محمدباقر بیرجندی در ۲۰ سالگی (۱۲۹۶ق) رخت سفر به تن کرد و

آهنگ نجف نمود.

وی درحالی‌که فاضلی کوشا و درس‌خوانده بود و در فقه، اصول، کلام، فلسفه و ادبیات دستی توانا داشت، در حلقه درس اساتید نام‌آور

نجف اشرف شرکت جست و در فقه، اصول، درایه و رجال از محضر آنان استفاده‌های فراوانی برد.

با ورود آیت‌الله میرزا شیرازی به سامرا (۱۲۹۳ق)، حوزه علمیه پر عظمت و باشکوهی در آنجا تشکیل گردید که

چشم روزگار، مانند آن را کمتر دیده بود. از این‌رو، اکثر درس‌آموختگان نجف، پس از چندی راه به سامرا می‌سپردند تا از

برکات وجودی میرزای شیرازی و شاگردان او بهره‌برند. مرحوم علامه شیخ محمدباقر بیرجندی نیز در سال ۱۳۰۰ق به سامرا رفت و سالیانی چند در فقه و اصول از محضر فقیه فخرآفرین شیعه، حضرت میرزای شیرازی

(د. ۱۳۱۲ق)، بهره‌های فراوانی برد.

وی هم‌زمان در علم حدیث و رجال از محضر محدث جلیل، میرزااحسین نوری

(د. ۱۳۲۰ق) - صاحب مستدرک - استفاده کرد و مورد توجه فراوان آن دو قرار گرفت. میرزای شیرازی که استعداد او را در فقه دید، بدو دستور داد که در این علم، کتاب بنویسد و او به تألیف کتاب وثیقة الفقهاء و ایضاح‌الطریق مشغول شد. زمانی که جلد

اول آن به پایان رسید، تقدیم محضر استاد نمود و میرزا پس از آن که یکی دو ماه آن را مطالعه فرمود، او را تحسین کرد و با تأکید و تکرار بدو گفت: «بنویس! بنویس!»

علامه شیخ محمدباقر بیرجندی پس از رسیدن به مقام عالی اجتهاد و کسب اجازات متعدد اجتهادی و روایتی از اساتیدش در

۳۰ سالگی (۱۳۰۵ق) رهسپار حج

بیت‌الله الحرام و مدینه منوره شد و پس از بازگشت از سفر حج، به سوی زادگاه خویش آهنگ سفر کرد و در آنجا رحل اقامت افکند.

در بیرجند پس از ازدواج، به تألیف و تصنیف، تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان، افتاء و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم، اقامه جمعه (که آن را واجب تعیینی می‌دانست) و جماعت پرداخت. همچنین منزل او محل رفع دعاوی و خصومات مردم و قضاوت شرعی بود و به‌عنوان حاکم شرع به اجرای احکام دین (مانند: طلاق زنانی که شوهران آن‌ها مفقود شده بودند) می‌پرداخت، و البته در اواخر

عمر شریفش از قضاوت دوری می‌کرد.

همه مردم منطقه قائل و بیرجند و مردمان افغانستان - از سنی (حنفی) و شیعه -

در مسائل مذهبی، بدو مراجعه می‌کردند

و او برحسب هریک از مذاهب، فتوا صادر می‌کرد و در خطابات رسمی از سوی علمای هرات و دولت افغانستان، از او به «مفتی‌الفریقین» تعبیر می‌شد.

وی عقیده داشت هرکس باید برای

روز جهاد، آماده باشد و واجب است فنون نظامی را فراگیرد و لذا هر روز تفنگش را برمی‌داشت و با گروهی از بزرگان و رؤسای شهر به صحرا می‌رفت تا تمرین تیراندازی نمایند و فنون رزم را

بیش از پیش فراگیرد. حتی به برخی از جوانان، از زکات و حقوق شرعی مالی می‌پرداخت تا در تیراندازی استادی ماهر شوند و به گروهی دیگر آموزش دهند. همچنین دو نفر از کسانی که در تیراندازی و کار با سلاح گرم مهارت داشتند استخدام کرده بود، که خبر این حرکت و اقدام در چند شماره روزنامه «حبل‌المتین» درج شد.

او همه روزه به تدریس فقه و اصول می‌پرداخت و از این رهگذر، گروه بسیاری از فضلاء قائل و بیرجند را در دامان خویش پروراند که برخی از ایشان عبارت‌اند از: آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین آیتی بیرجند (۱۳۹۲-۱۳۱۰ق)، صاحب بهارستان و مقامات معنوی و آیت‌الله شیخ جواد عارفی بیرجندی.

از آن مرد بزرگ، کتاب‌های فراوانی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی چون: فقه، اصول، حدیث، تفسیر، تاریخ، کلام، رجال و درایه، قرائت و تجوید، شعر و ادب، به‌جای مانده که شمار آن‌ها به ۶۲ اثر می‌رسد و اکثر آن‌ها به خط شریفش در کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی موجود است.

آیت‌الله شیخ محمدباقر بیرجندی سرانجام پس از عمری تلاش و کوشش در راه اعلای کلمه حق، در ذی‌الحجه الحرام سال ۱۳۵۲ هجری قمری در سن هفتاد و شش سالگی چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در مدرسه معصومیه غسل دادند و پس از تشییعی کم‌نظیر، در مقبره مخصوص خویش به خاک سپردند. به‌دنبال اعلام خبر وفاتش، در بیش‌تر شهرهای ایران مجالس یادبودی برگزار شد و حوزه علمیه قم به سوگ نشست و آیت‌الله مرعشی در مدرسه فیضیه، مجلس باشکوهی منعقد ساخت.

* درگذشت

«آیت‌الله شیخ فیاض زنجانی» عالم مسلمان (1360 ق)

اشاره:

آیت‌الله شیخ فیاض زنجانی در

سال 1285 ق در یکی از روستاهای

اطراف زنجان به دنیا آمد.

وی ابتدا نزد پدرش به فراگیری

علوم دینی پرداخت و سپس در تهران از محضر دانشمندان گرانقدر عصر خود همچون میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا محمدحسن آشتیانی و... بهره برد تا به اجتهاد دست یافت و پس از دستیابی به مراتب والای علمی و مهارت کافی به تدریس پرداخت.

از جمله خصوصیات اخلاقی

آیت‌الله فیاض در کلاس درس این بود که

علی‌رغم توانایی علمی و تسلط کافی بر مطالب درس، در موقع اشکال درس شاگردان، سکوت می‌کرد و به حرف آنان گوش می‌داد و سپس با او به بحث می‌پرداخت.

اگر در ضمن بحث، صحت

گفته‌های شاگردش با دلیل و برهان برای او مسلم می‌شد، در کمال فروتنی و تواضع می‌پذیرفت. ایشان کتبی درباره‌ی احکام اسلامی تألیف نموده است که کتاب الاجاره و ذخائرالامه از آن جمله‌اند.

سرانجام این عالم ربانی در حالی که مرجعیت مردم زنجان را برعهده داشت در 75 سالگی درگذشت و در همان دیار به خاک سپرده شد.

* درگذشت دکتر «احمد الملط» مبارز مسلمان مصری (1415 ق)

اشاره:

دکتر احمد الملط از مبارزان مسلمان مصری، در دوران تحصیل با حسن البتاء بنیانگذار جمعیت اخوان المسلمین مصر، آشنا شد و پس از چندی به این جمعیت پیوست.

دکتر احمد الملط در نخستین جنگ اعراب با رژیم صهیونیستی در سال 1948 م در جبهه‌های نبرد، حضوری فعال داشت.

او علاوه بر شرکت در جبهه‌ی جنگ

با صهیونیسم، در جهاد و مبارزه علیه

نیروهای اشغالگر انگلیس در کانال سوئز، شرکت فعال و مستقیم داشت. این پزشک مسلمان دردوران اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، در جهاد مردم افغان شرکت جست و این همکاری تا پایان اشغال و طرد نیروهای بیگانه از این کشور ادامه یافت. پس از آن، بوسنی، شاهد حضور دائمی دکتر احمد الملط در جبهه‌های نبرد علیه صرب‌ها بود. جمعیت پزشکان مسلمان که در همه حوادث تلخ، نظیر جنگ، زلزله و سایر وقایع پیش بینی نشده به یاری و کمک آسیب دیدگان می‌شتافت توسط وی تأسیس شد و خود، ریاست آن را به عهده داشت. سرانجام دکتر احمد الملط قائم مقام رهبری جمعیت اخوان المسلمین کشور مصر، پس از انجام مراسم حج سال 1415 ق، در مکه‌ی معظمه درگذشت و در قبرستان بقیع در مدینه به خاک سپرده شد.

* 28 سپتامبر در گذر تاریخ

* درگذشت «اوریان لووریه» منجم فرانسوی و کاشف سیاره نپتون (1877م)

* مرگ «لویی پاستور» پزشک فرانسوی و بنیان‌گذار میکروبی‌شناسی (1895م)

* وقوع نبرد خونین بین سپاهیان آلمان و بلژیک در جریان جنگ جهانی اول (1914م)

* روز استقلال «عمان» از استعمار انگلستان (1920م)

* درگذشت «ادوین هابل» منجم و اخترشناس معروف آمریکایی (1953م)

* وقوع کودتای نظامی در سوریه و خروج از جمهوری متحد عربی (1961م)

* درگذشت «آندره برتون» شاعر فرانسوی و بانی مکتب «سورئالیسم» (1966م)

* درگذشت «جمال عبدالناصر» سیاست‌مدار برجسته و رئیس‌جمهور پیشین مصر (1970م)